

# آموزش ترجمه: پرورش تفکر خلاق

مرجان فنائی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

ترجمه همواره عاملی برای انتقال علوم و اندیشه‌ها بین ملل و فرهنگها و تمدنهای مختلف بوده است. با توجه به اهمیت روزافزون ترجمه، شناخت ویژگیهای مترجم ضرورتی خاص می‌یابد چراکه ترجمه در نهایت حاصل ذهن پویا و خلاق مترجم است. در این بررسی ابتدا به این سؤال همیشگی پاسخ می‌دهیم که آیا ترجمه علم است یا فن و یا هنر؟ آیا ترجمه پدیده‌ای است آموختنی و قابل آموزش و یا امری است ذوقی؟ پس از آن به ذکر نکاتی در مورد تربیت مترجم می‌پردازیم.

با نگاهی به تعاریف متعدّد صاحب‌نظران از ترجمه در می‌یابیم که بیشتر آنها بر نقش مترجم در آفرینش دوباره اثر قدرت خلاقه او تأکید داشته‌اند و هیچکس مترجم را عاملی بی‌اختیار در برگردان متن ندانسته است. در مورد ماهیت ترجمه و اینکه اصولاً ترجمه در قلمرو علم یا فن یا هنر قرار می‌گیرد نیز دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. گروهی ترجمه را از دید علمی می‌نگرند. در این نگرش، ضروری‌ترین ابزار کار مترجم، تسلط کافی به دو زبان مبدأ و مقصد و نیز داشتن دانش زبانشناسی است. گروه دیگر ترجمه را فن می‌دانند. در این دیدگاه تجربه عملی مترجم مهمترین عامل در توفیق وی می‌باشد. به اعتقاد این گروه هرچه مترجم بیشتر ترجمه کند، از توانایی بیشتری برخوردار می‌شود. اما دیدگاه سوم ترجمه را هنر می‌داند. از این دیدگاه ترجمه مانند سایر هنرها در یک چهارچوب کاملاً تعریف شده قابل تحلیل نیست. به باور این گروه، ترجمه نیز پدیده‌ای است پرمزوراز که اگرچه دانستن احکام دستور زبان و اصول و معانی بیان برای انجام آن ضروری است اما چگونگی ترکیب آنها توسط مترجم هنرمند اساسی‌ترین نقش را در ماهیت اثر بازآفرینی شده خواهد داشت. به عبارت دیگر، ترجمه هنر بازآفرینی معنا است. (ر.ک. عزبدفتری، ۱۳۷۸؛ صص ۲۸-۲۷)

اما برای بررسی اینکه کدام جنبه از اهمیت بیشتری برخوردار است باید به بررسی نقش مترجم در کار عملی ترجمه پرداخت. به عبارت دیگر باید دانست که مترجم برای رسیدن به هدف نهایی چه مراحل را پشت سر می‌گذارد. نایدا<sup>۱</sup> (۱۹۶۴) فعالیت پیچیده مترجم را با ارائه الگویی بیان می‌کند. در این الگو مترجم ابتدا پیامی را از زبان (الف) می‌گیرد و پس از رمزگشایی<sup>۲</sup> آن را در قالبهای دیگری از همان زبان (الف) می‌ریزد. سپس این پیام رمزگشایی شده به وسیله سازوکار انتقال، به زبان (ب) منتقل می‌گردد و آنگاه مترجم پیام را در زبان (ب) رمزگذاری<sup>۳</sup> می‌کند.

زبان‌شناسی در مرحله رمزگشایی و دریافت معنای متن اصلی و جابجا کردن عناصر سازه‌ای آن یا به عبارتی مرحله تجزیه<sup>۴</sup> کاربرد دارد و فن ترجمه در مرحله رمزگذاری و هنر کلام در مرحله ترکیب<sup>۵</sup>. پس ترکیبی از هر سه یعنی علم و فن و هنر لازم است، اما جنبه هنری ترجمه است که سایر جنبه‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. (عزیدفتری، ۱۳۷۸؛ ص ۳۷).

فرآیندهای دخیل در ترجمه را نباید محدود به اعمال خودآگاه ذهن دانست. آنچه مهمتر است، خلق معنا با رعایت زیبایی اسلوب و بلاغت و ظرافت است که از ناخودآگاه برمی‌آید و لازمه آن خلاقیت است. بنابراین داشتن نبوغ برای یادگیری زبان، همچنین دانش و آگاهی به تمام جنبه‌های زبان و فرهنگ مبدأ و تسلط به فرهنگ و زبان مقصد، آشنایی با سبکها و شیوه‌های گوناگون و تمام مواردی که ذکر شد، شرط لازم برای مترجم است ولی شرط کافی نیست.

آنچه مترجمی را از مترجمی دیگر متمایز می‌کند، کیفیت بیان اوست و لباسی است که او بر فکر خود می‌پوشاند که این همه ذهن خلاق را می‌طلبد که به خلق بهترینها پردازد و این همان هنر ترجمه است. بنابراین ترجمه هنر است و مترجم هنرمند. حال باید دید این هنرمند چه ویژگیهایی باید داشته باشد که عکس‌العمل او را نسبت به واقعیات جهان، هنر بیندازیم. اوج هنر مترجم هنگامی است که او به خلق واژه‌هایی پردازد و ویژگی مهم آفرینندگی و اگریایی است.

گیلفورد<sup>۶</sup> (۱۹۶۷) تفکر آدمیان را به دو دسته واگرا<sup>۷</sup> و همگرا<sup>۸</sup> تقسیم کرده است. تفاوت آنها در این است که در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است، یعنی همیشه یک جواب درست یا غلط وجود دارد، اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد بلکه تعداد زیادی جواب وجود دارد که هر کدام از آنها از نظر منطقی ممکن است درست باشند. (لفرانکوئیس، ۱۹۹۴، صص ۲۹۴-۲۰۰). به گفته تورنس<sup>۹</sup> (۱۹۶۲) در تعریف تواناییهای تفکر خلاق<sup>۱۰</sup>، عموماً بر چهار توانایی اصلی که تفکر واگرا را در بر می‌گیرد تأکید می‌شود. این تواناییها عبارتند از:

۱- **سیالی**<sup>۱۱</sup>: "یعنی استعداد تولید اندیشه‌های فراوان". (عابدی، ۱۳۷۲) در این مرحله فکر درگیر ارائه اندیشه‌هایی است که در یک حیطه خاص ذهنی و فکری قرار دارند و شامل تعدادی جواب ممکن است. این مرحله برای مترجم مرحله‌ای است که در ذهن خود به دنبال یافتن معادل مناسبی برای کلمه می‌گردد. برای مثال\* درگیری ذهن برای یافتن معادل مناسبی برای کلمه «قاصدک» چرا که ذهن خلاق مترجم تنها به جایگزینی کلمه به کلمه بسنده نمی‌کند و نه تنها به صورت و معنای کلمه توجه دارد، بلکه معنای ضمنی و مفاهیم فرهنگی کلمه را هم از نظر دور نمی‌دارد.

۲- **انعطاف‌پذیری**<sup>۱۲</sup>: "عبارت است از ارائه راه‌حلهای مختلف و متمایز برای یک مسأله" (دیویس و اسکات، ۱۹۷۱، ص ۳۰) در این مرحله ذهن خلاق مترجم قادر است معادلهای زیادی برای یک کلمه

\* این مثالها برگرفته از کارگاه ترجمه (۱۱) از آقای کریم امامی (مترجم ۲۷) و مقاله معادلی برای قاصدک از آقای محمد شهبان (مترجم ۲۸) می‌باشد.

پیشنهاد کند. از جمله معادل‌های Dandelion (به معنای گل قاصد در فرهنگ گیاه‌شناسی) Dandelion . Thistle ball, seed و Dandelion fuzz.

**۳- اصالت<sup>۱۳</sup> (ابتکار):** "یعنی توانایی ایجاد اندیشه‌های منحصر به فرد، بدیع و اصیل" (فلدهیوسر و ترفینگر، ۱۹۷۷، ص ۳۴) اندیشه‌های منحصر به فرد ترکیبی از اندیشه‌های قدیمی در یک بعد جدید هستند. در مثال معادل‌یابی برای قاصدک، مترجم در این مرحله به کلمه Blow ball برمی‌خورد که اندکی مهجور است ولی در عوض گویاست زیرا شکل کروی قاصدک و وزش باد بر آن هر دو در اجزای واژه نهفته است.

**۴- بسط<sup>۱۴</sup> (استعداد توجه به جزئیات):** "به معنای توانایی تکمیل یک اندیشه یا اضافه کردن جزئیات جالب و ترکیب گروهی از اندیشه‌های مرتبط است." (فلدهیوسن و ترفینگر، ۱۹۷۷، ص ۳۴) برای مثال در دنباله معادله‌یابی برای «قاصدک» باز هم جنبه‌های دیگری از کلمه از جمله «جنبه خیر آوردن» قاصدک باید مورد نظر قرار گیرد و از آنجا که ترجمه باید همان احساس ایجاد شده در خواننده متن اصلی را در خواننده متن ترجمه شده برانگیزد می‌توان کلمه Buttercup به معنای گل آلاله را انتخاب کرد که همان معنای نهفته قاصدک را برای خواننده انگلیسی زبان دارد.

خلاقیت در ترجمه لزوماً به معنای ابداع واژه‌های غیر قابل فهم نیست بلکه به معنای استفاده بدیع از واژه‌های موجود می‌باشد. ترجمه فرآیندی به غایت پیچیده و مستلزم تحلیل‌های سریع و چندلایه‌ای از معنی، نحو و ملاحظه جنبه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و تفاوت‌های فرهنگی است. برای روشن‌تر شدن مطلب بهتر است ویژگی‌های خلاقیت را مشخص نماییم.

شخصیت خلاق از جهت افکار و اعمال مستقل است، به آسانی در یک گروه مستحیل نمی‌گردد و اگر فعالیتها و ارزشهای گروه با انتخابهای شخصی وی منطبق نباشند، خود را تابع ارزشهای گروه قرار نمی‌دهد. از این رو است که مترجم باید کاملاً متن مورد نظر را درک کند و این درک تا آنجاست که بعضی‌ها اعتقاد دارند که تازمانی که مترجم متن مورد نظر را نستاید قادر به ترجمه آن نیست. البته این امر بیشتر در مورد ترجمه‌های ادبی صادق است. اما در هر حال، مترجمان قادر نیستند متنی را ترجمه کنند که با دیدگاه شخصیتی آن‌ها مغایرت دارد.

شخصیت خلاق بیشتر نسبی‌نگر است تا جزئی‌نگر. نسبی‌نگر بودن در امر ترجمه را می‌توان به چگونگی انتقال مفاهیم مورد نظر نویسنده اصلی به مخاطب و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی تعبیر نمود. نسبی بودن امر ترجمه به مهارت و جسارت مترجم نیاز دارد. توفیق مترجم همانند توفیق هنرپیشه در ایفای نقش خود در صحنه است. هنرپیشه، خود نویسنده نیست اما در حریم صحنه هم بیگانه نیست و آنچه که تماشاگران می‌بینند و می‌ستایند چگونگی بازی خوب اوست که البته براساس نوشته نویسنده است.

شخصیت خلاق قادر به اصلاح جنبه‌های غیرمنطقی رفتار خود می‌باشد. وجود این ویژگی در

شخصی مترجم منجر به ایجاد روحیه انتقادپذیری می‌شود و میل به رشد و اصلاح را در وی ایجاد می‌کند.

شخصیت خلاق از ظرافت ذهنی خاصی برخوردار است که این امر در کلام او و شیوه بیان او خود را نشان می‌دهد.

با توجه به نکات فوق می‌توان چنین ادعا نمود که از میان شرایط یاد شده برای مترجم، ویژگی خلاقیت بیش از سایر ویژگیها قابل بحث و بررسی است. چراکه سایر شرایط نظیر دانش زبانشناسی و تجربه مترجم، از ابزارهای اولیه کار مترجمی می‌باشند و آنچه نقش آشکارتری در هویت اثر بازآفرینی شده دارد همان قدرت خلاقه مترجم است. حال این نکته مطرح است که چگونه می‌توان با استفاده از روشهای سنجیده به پرورش مترجم پرداخت؟ و آیا اصلاً این امر امکان‌پذیر است؟

خلاقیت کیفیتی است که هر فرد تاحدودی از آن برخوردار است و امکان پرورش و باروری آن نیز وجود دارد. پرورش ذوق و قریحه در زمینه ترجمه هم مستلزم ایجاد شرایط و به کارگیری روشها و اعمال دقیق و سنجیده است. کارل راجرز<sup>۱۵</sup> که چگونگی شرایط پرورش خلاقیت را به طریق تحلیلی بیان کرده، می‌گوید: "واضح است که خلاقیت را نمی‌توان با زور به وجود آورد بلکه باید شرایط را فراهم کرد تا خلاقیت بروز و ظهور پیدا کند." همان‌طور که زارع نمی‌تواند جوانه را از دانه بیرون آورد، اما می‌تواند شرایط مناسب برای رشد آن ایجاد کند، در مورد خلاقیت هم همین وضع صادق است. (خانزاده، ۱۳۵۵، ص ۴۵) در زمینه ترجمه مسأله این است که چگونه می‌توان شرایط خارجی را مساعد کرد تا شرایط بروز خلاقیت نیز به وجود آید. اکنون به بررسی شرایط مطلوب آموزش ترجمه می‌پردازیم:

با این سؤال آغاز می‌کنیم: آیا آموزش ترجمه ممکن یا غیرممکن است؟ برای یافتن جوابی مناسب لازم است ترجمه را از لحاظ کیفیت به دو سطح حداکثر و حداقل تقسیم کنیم. "سطح حداکثر که در مورد انواع ترجمه به خصوص ترجمه ادبی صادق است قابل آموزش نیست و سطح حداقل سطحی است قابل حصول از طریق آموزش به نحوی که مترجم در این سطح قادر است ترجمه‌ای بنویسد که از لحاظ معیارهای زبانی و عرفی قابل قبول باشد." (خزاعی فر، ۱۳۷۷، ص ۸) برنامه چهارساله تربیت مترجم با این فرض نوشته شده است که دانشجو در دو سال اول زبان خارجی را فرا می‌گیرد و در دو سال بعد مهارت‌های ترجمه را. اگر پیش‌فرضهای در نظر گرفته شده برای دانشجویان رشته مترجمی نادرست باشد، نمی‌توان انتظار توفیق چندانی از فارغ‌التحصیلان این رشته داشت.

برای رفع نقایص موجود لازم است به سه بعد اساسی ترجمه که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد، یعنی بُعد علمی و نظری، بُعد مهارتی و بُعد هنری، توجه بیشتری بشود.

بُعد علمی و نظری دانشجو را قادر می‌سازد اولاً به درکی نسبی از ماهیت دو زبان مبدأ و مقصد برسد، با تمامی ابزار استخراج معنی از متن آشنا شده و عملاً بتواند معنی را از متن بیرون بکشد. این جنبه از کار

مترجم در واقع تسلط نسبی او بر زبان مبدأ را می‌طلبد. اما جنبه نظری ترجمه نیز به‌ویژه برای دانشجوی رشته ترجمه اهمیت بسیار دارد. شاید مترجمانی که به واقع ادیب هستند و تسلط کافی به زبان مادر خود دارند و اساساً صاحب سبک می‌باشند، نیاز چندانی به جنبه نظری ترجمه احساس نکنند، دانشجوی ترجمه که تازه در راه ترجمه گام گذاشته به اصول نظری برای ترجمه نیاز دارد. او باید خلال سیاه مشق‌هایی که در کلاس انجام می‌دهد به نظریه‌ای در مورد ترجمه به‌طور کلی یا ترجمه متون خاص دست یابد تا بتواند به اتکای آن نظریه در سطح کلان مشکلاتی را که با آن روبرو می‌شود حل کند. در بُعد مهارتی، مترجم می‌آموزد که چگونه راه‌حلهایی معین برای برخی مشکلات ترجمه پیدا کند. او این راه‌حلها را یا خود تجربه می‌کند یا از تجربیات مترجمان حرفه‌ای به دست می‌آورد. بنابراین، در بُعد مهارتی دو مسأله مطرح است. یکی استفاده از راه‌حل‌های به‌کارگرفته شده توسط مترجمان حرفه‌ای و دیگر سرعت عمل در به‌کارگرفتن این راه‌حلها.

در بُعد هنری، اگرچه هدف برنامه تربیت مترجم اساساً تربیت مترجم حرفه‌ای ادبیات نیست، و چنانکه گفته شد، تربیت مترجم در سطح حداقل صورت می‌گیرد، اما این برنامه اساساً باید زمینه را برای شکوفایی استعدادهای دانشجویان و ایجاد علاقه در آنان نسبت به ترجمه آماده کند. برای این کار باید اولاً دانشجویان را با ترجمه‌های متعدد از مترجمان نامدار آشنا کنیم. ثانیاً باید متون نسبتاً ساده در اختیار آنان قرار بدهیم و آنان را به ترجمه حلاق آن متون تشویق کنیم. ذوق دانشجویان لزوماً با ترجمه متون دشوار تقویت نمی‌شود، بلکه برعکس ترجمه متون دشوار ممکن است حس ناکامی و ناامیدی در آنها ایجاد کند. ثالثاً نباید دانشجویان را از کاربردهای خلاق زبان بترسانیم و از همه مهمتر اینکه نباید در بررسی ترجمه‌های آنان، بر اشکالات و خطاهای آنان انگشت بگذاریم بلکه باید آنها را به کاوش در خزانه غنی زبان فارسی تشویق کنیم.

شرایط آرمانی فوق با آنچه که در برخی کلاسهای ترجمه می‌گذرد، به‌راستی متفاوت است. در این کلاسها، گاه مدرسین ترجمه خود شناختی از ماهیت ترجمه ندارند یا تجربه‌ای در ترجمه ندارند و یا اساساً علاقه‌ای به ترجمه ندارند و حسب تکلیف ترجمه درس می‌دهند. تازمانی که مدرس ترجمه خود به‌طور نسبی از سه جنبه فوق‌الذکر برخوردار نباشد، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت که بتواند شرایط آرمانی در کلاس ایجاد کند، نتیجه برخی کلاسهای ترجمه دلزدگی دانشجویان از درس ترجمه، از دست دادن اعتماد به نفس در ترجمه و تمایل به روش لفظ به لفظ پیدا کردن است.

شل کراس<sup>۱۶</sup> (۱۳۷۰) سه عامل اصلی را در ایجاد فضایی مطلوب برای آموزش ترجمه مؤثر می‌داند. این سه عامل عبارتند از: ۱- عامل فیزیکی. ۲- عامل عقلانی. ۳- عامل عاطفی.

به‌منظور بهبود شرایط فیزیکی "بهبتر است اتاقی به کارگاه ترجمه اختصاص داده شود و کلیه دروس ترجمه در کارگاه تدریس گردد. در کارگاه ترجمه صندلی‌ها باید متحرک و راحت باشند و فرهنگهای یک‌زبانه و دوزبانه در اختیار دانشجویان قرار گیرد." (یارمحمدی، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

در ایجاد فضای عقلانی مطلوب باید سعی شود فضایی را ایجاد کنیم که دانشجویان بتوانند در جریان کار گروهی در کارگاه ترجمه با هم به بحث و تبادل نظر بپردازند. این همان استفاده از روش فعال در تدریس است. زیرا پرورش دهندگان خلاقیت معتقدند که آموزش نباید صرفاً بر مبنای حافظه و انتقال صرف معلومات باشد بلکه باید فراگیر با به کارگیری صحیح مکانیزمهای حسی - تحلیلی، خود در یادگیری شرکت فعال داشته باشد و آموزش وی مبتنی بر درک، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و استنتاج باشد.

مدرسین ترجمه در جهت فراهم آوردن این امکانات می‌توانند از روشهای گوناگون مانند روش بارش مغزی<sup>۱۷</sup> استفاده کنند. در این روش ابتدا متنی برای ترجمه به دانشجویان ارائه می‌شود، سپس به آنها فرصت داده می‌شود تا در محیطی آرام و عاری از هرگونه اضطراب به‌طور عمیق فکر کنند و پس از آن با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف مانند توجه به مفهوم متن اصلی و سبک خاص متن به انتخاب واژه‌های درست و دقیق و خوش آهنگ در قالب زبان خاص متناسب با متن بپردازند و سپس نظر خود را آزادانه و دور از هر نوع ارزشیابی مطرح کنند. "جلسات بارش مغزی به صورت بحث گروهی است که در آن شرکت‌کنندگان پیشنهاداتی خودجوش ارائه می‌دهند. هدف نهایی این روش ایجاد همبستگی اندیشه‌هاست به طریقی که نظر ابراز شده از طرف یک نفر باعث شکل‌گیری نظری جدید در فردی دیگر شود. مهمترین ویژگی این روش آن است که به تعویق انداختن قضاوت و تأکید بر کمیت به جای کیفیت منجر می‌شود زیرا مقدار و کمیت خود به بروز کیفیت می‌انجامد. هرچه تعداد نظریات بیشتر باشد، احتمال اینکه نظریه بهتری به دست بیاید، بیشتر است." (لفرانکوئیس، ۱۹۹۴، ص ۲۱۶).

برنامه تربیت مترجم باید در ابتداء روش تفکر افقی<sup>۱۸</sup> (جانبی) یا تفکر و اگر ا را به دانشجویان بیاموزد. طبق گفته دی‌بونو<sup>۱۹</sup> (۱۹۷۶) تفکر افقی راهی است برای استفاده از ذهن که منتهی به تفکر و راه‌حلهای خلاق می‌شود. اگر هدف این باشد که درباره چیزی بیشتر بدانیم، یا به یک راه‌حل قابل قبول برسیم، تفکر عمودی یا همگرا کاملاً مناسب است. اما اگر هدف یافتن راه‌حلهای خلاق باشد، مانند یافتن معادلهای مناسب، تفکر افقی یا و اگر بهتر خواه بود. از این تفکر می‌توان در کسب مهارت در معادل‌سازی و معادل‌یابی برای ریشه‌ها و پیشوندها و پسوندها و طرز ساختن واژه‌های جدید و رفع مشکلات ترجمه‌ناپذیری استفاده کرد. و نهایتاً به دانشجویان بیاموزیم که چگونه با ایجاد موازنه منطقی بین این دو شیوه تفکر، بتواند فرآیندهای ذهنی خود را از یک زاویه بسته به یک زاویه باز به گردش در آورد و ضمن درک متن اصلی و پرداختن به جزئیات در انتقال معنا و انتخاب سبک مناسب، انعطاف بیشتری داشته باشد.

- خان‌زاده، علی. (۱۳۵۵). خلاقیت و آموزش و پرورش. **مجله پیوند**، ۵.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۷۷). ترجمه، آموزش زبان و تربیت مترجم. **فصلنامه مترجم**، ۲۸، ۱۱-۳.
- دی‌بونو، ادوارد. (۱۳۶۳). **فکر در قلمرو و عمل**. (پروین امیدوار، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه رازی.
- رابینستون، داگلاس. (۱۳۷۷). اخلاق ترجمه و هوشمندی مترجم. (رضی خدادادی، مترجم). **فصلنامه مترجم**، ۱۰۴-۱۰۲.
- شل‌کراس، دوریس‌جی. (۱۳۶۹). **آموزش رفتار خلاق و استعدادهای درخشان**. (مجتبی جوادیان، مترجم). مشهد، آستان قدس رضوی.
- عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. **نشریه پژوهش‌های روان‌شناختی**، ۱ و ۲.
- عزبدقتی، بهروز. (۱۳۷۸). جنبه هنری ترجمه از دیدگاه زبانی-اجتماعی، **فصلنامه مترجم**، ۲۹، ۳۷-۲۷.
- نایدا، یوجین. (۱۳۶۵). نقش مترجم (سعید باستانی، مترجم). در نصرالله پورجوادی (گردآورنده)، **درباره ترجمه برگزیده‌های مقاله نشر دانش (۳)**. تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- وبر، ویلهلم ک. (۱۳۷۸). **تربیت مترجم مکتوب و شفاهی**. (کامییز محمودزاده، مترجم). تهران، انتشارات رهنما.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۳). طرحی کلی پیرامون اصول و ضوابط حاکم بر ترجمه و پژوهش و آموزش آن در دانشگاه. **فصلنامه مترجم**، ۱۴ و ۱۳، ۴۹-۳۶.

Davis, Gray A. and Scott, Joseph. (1971). *Trainging crative thinking*. USA: Holly, Rinehart and Winston Inc.

Feldhusen, John F. and Treffinger, Donlad J. (1977). *Teaching creative thinking*. Kendall/Hunt.

Lefrancois, Guy R. (1994). *Psychology for teaching*. California: Wadsworth.

Torrance, Paul E. (1988). *Education and the creative potential*. Minneapolis Press.

## Footnotes

- |                        |                      |                       |                  |
|------------------------|----------------------|-----------------------|------------------|
| 1. Nida                | 2. Decoding          | 3. Encoding           | 4. Decomposition |
| 5. compostion          | 6. Guilford          | 7. Divergent Thinking |                  |
| 8. convergent thinking | 9. Torrance          | 10. Creative thinking |                  |
| 11. Fluency            | 12. Flexibility      | 13. Originality       |                  |
| 14. Elaboration        | 15. Rogets           | 16. Shall Cross       |                  |
| 17. Brain storming     | 18. Lateral Thinking | 19. De Bono           |                  |